

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۳ دسمبر ۲۰۱۰

وای به روزی که اغلاط دو چندان گردد!!!

شاید خوانندگان گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" (AA-AA) و خصوصاً علاقه مندان نوشته هایم بدانند، که از سالیان متمادی میکوشم، بر مشکلات املائی، انشائی و لفظی نویسندگان و اهل قلم دری نویس - و خصوصاً دری نویسان هموطنم - انگشت بگذارم. زمانی در جریده هفتگی "امید" در زمینه قلم زده ام و زمانی هم در پورتال "افغان جرمن آنلاین" (AGO). شماره های بی شمار جریده "امید" و آرشیف بنده در پورتال AGO نشان انگشتم را نشان میدهند. از زمانی که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به همت چند افغان وطنپرست و آزاده تأسیس گردید، این تلاش پیگیر تر گشت. چون "درست نویسی" و "رهنمود املائی" در خط مشی و طاق جبین این پورتال منقور است. بنا بر همین اصل نشراتی پورتال AA-AA، فعالیت بنده در این عرصه سرعت و وسعت بیشتر گرفت. ماحصل این جد و جهد بیشتر از یک صد مقاله ایست، که از طریق سلسله های مختلف در ظرف دو سال گذشته از پورتال AA-AA اشاعه یافته است. البته این اول کار است و هنوز عشر عشر گفتنی ها هم بر زبان نرفته است. از خوانند بزرگ استدعاء دارم، که قدرت و فرصت بیان همه نکات مد نظر را ارزانی فرماید، باشد که ازین طریق دین بزرگی که بر گردن من است، یکی از هزار اداء گردد.

از زمره حدوداً دو صد و پنجاه مقاله ای که زمانی در آرشیفهای مختلف بنده در پورتال AGO موجود بوده است، قبلاً پنجاه عدد آن را به پورتال خود ما - یعنی AA-AA - انتقال داده ام. چون موجودیت تمام مقالات ادبی - فرهنگی بنده را در AA-AA ضروری میپندارم، میکوشم که مقالات متباقی را نیز آهسته آهسته انتقال داده و آرشیفم را مکمل بگردانم.

مقاله ای که اینک تقدیم میگردد، بتاریخ ۱۵ اگست ۲۰۰۶ نگاشته شده و بتاریخ اول نومبر همان سال در AGO منتشر گردید. امیدوارم، که بقیه مقالات مد نظر ازین سنخ را نیز بتوانم در فاصله کوتاه از نظر خوانندگان ارجمند پورتال AA-AA بگذارم.

وای به روزی که اغلاط دو چندان گردد!!!

(با اندک تجدید نظر)

افغانها اغلاط خود را نگه میدارند و اغلاط ایرانیان را کاپی میکنند

سالهاست که در مورد اغلاط املائی و دستوری و ... افغانان نوشته هائی برون میدهم و درین اواخر میکوشم ضمن هر مقاله بر گوشه ای ازین طیف نارسائیهام مکتب کنم. حدوداً شش سال پیش گفتار متراکمی را در زمینه روی دست گرفته و سلسله ای را زیر نام "از امید به امید" در هفته نامه امید عرضه کردم، که طی آن هفت بخش، پخش گردید. با وجودی که این سلسله مورد استقبال بسا خوانندگان قرار گرفته بود، اما "نی و نو کردن ها" و "ترازو به زمین زدن ها" * ناشر محترم جریده "امید"، مرا از تعقیب مسلسل و منظم آن باز داشت. جنجال بجائی کشید، که "درد دندان، کندن" گفته و از دنبال کردن این گفتار منصرف گردیدم.

شاید از خواص خانه زاد ما افغانهاست، که به اقتباس از کارهای خوب دیگران، میل نشان ندهیم و در عین زمان در پی حذف و برانداختن نقایص و کمبودهای خود هم برنیائیم. طوری که برداشت منست - که امید بخطا رفته باشم - ما مردم خوش داریم، که هم و غم خود را متوجه مسایل منفی دیگران بسازیم. نظر به این برداشت باید سچ و پوست کنده بگویم که، بعض افغانها "غلط پسند" اند. اگر مشخص تر گپ بزنم و این نکته را در زمینه زبان دری تطبیق کنم، باید بعرض برسانم که، بیچاره افغانان اغلاط خود را حفظ میکنند و در عین حال، اغلاط فارسی ایران را نیز کاپی مینمایند. اینست که به اغلاط دوگانه و مضاعف، دست و گریبان گردیده ایم و از ما بیچاره تر در دنیا کسی نیست. برای بشگافتن درست سخن، مثالهای کافی در هر دو زمینه میدهم:

۱- اغلاط مشهور و ناباب دری افغانستان :

میگویند : «"غلط مشهور" حکم "صحیح" را دارد» ، یعنی وقتی یک کلمه غلط در زبان عام و خاص افتاد و مشهور گردید، دیگر نتوانش "غلط" خواند. من در موارد زیادی با این نص موافق نیستم. از نگاه من نتوان بر هر "غلط مشهور"، صاد صحیح گذاشت.

درینجا به گونه نمونه مثالهایی را پیش میکشم:

تبادلہ ، مناصفہ ، مراتبہ ، مناصفہ ، مراعت ، حاملہ دار ، شراب انظہور ، عینک چشم ، دستگاہ حاکمہ ، نامہ شریفہ ، استعمال "مفرد" بجای "جمع" مثلاً استعمال عبارت "یکی از کشور مترقی" در عوض "یکی از کشور های مترقی" ، سنگ حجرالاسود ، سی سپارہ قرآن ، چارچوکات (مخلوطی از چوکات و چارچوب) ، ... فرق نگذاشتن بین "الی" و "الا" ، "گذاشتن" و "گزاردن" ، "خاستن" و "خواستن" و غیرہ ، استعمال کلمہ "مسکون" و "مسکونہ" در عوض "ساکن" ، استعمال "اسامی" بجای "اسم" ، (اسم - اسماء - اسامی) ، فرق نکردن لغات "خدمہ" و "خادم" ، درست نوشتن کلمات "رضایت ، مصون ، مسؤول ، قدمت ، جزئیات ، ...". غلط تلفظ کردن کلماتی از قبیل "تراوش ، مستعجل ، مستحق ، مراقب ، مقام ، موسم ، شمال ، ..."

و اینک شرح هر کدام :

- کلمه "تبادلہ" که مولود و مخلوطی از کلمات "مبادلہ" و "تبادل" است، در دری ما بسیار شایع گردیده است؛ خصوصاً در بانکها و دواير مالی و پولی. مردم بیچاره تاجیکستان که دنباله رو دری ما مردم گردیده اند، نیز این

"مولود دورگه" را استعمال میکنند. در زبان عربی دو لغت با عین مدلول داریم، که در زبان دری هم وسیعاً بکار برده میشود؛ یکی "مبادله" (باب مفاعله) و دیگری "تبادل" (باب تفاعل). هر دو مصدر را میتوان در عین موارد استعمال کرد؛ مثلاً میتوان گفت "مبادله پولی یا تبادل پولی"، "مبادله اسناد یا تبادل اسناد"، "مبادله آتش یا تبادل آتش". اما کلمه "تبادل" نه به قاعده عربی جور می آید و نه به قاعده دری و فارسی. بیاد دارم، که یک نویسنده زبردست افغان که دوکتورای اقتصاد دارد، یک وقتی ضمن مضمون مختصر و دو ستونه خود در جریده "امید"، سیزده بار آزرگار کلمه "تبادل" را بکار برده بود.

– بعض کسان کلمه "مناصفه" را بکار میبرند و از آن معنای "نصف" را میگیرند. اما "مناصفه" (مصدر مفاعله) در معنای "باهم نصف کردن" یا "بین خود نصف کردن" را میدهد، و نباید در عوض "نصف" بکار رود.

– استعمال "مراتبه" بجای "مرتبه" هم در ملک ما رواج دارد. کسانی گویا دو لغت "مرتبه" و جمعش "مراتب" را به اصطلاح ایرانیان باهم قاطی کرده و این مولود نامیمون را پدید آورده اند.

– بعضاً کلمه "مراعت" را میشنویم و میخوانیم، که مراد همانا "مراعات" است. کلمه "مراعات" از باب مفاعله عربی برخاسته است و معنای "باهم رعایت کردن" را میدهد، اما "مراعت" کلمه ایست کاملاً غلط.

– "حامله دار" از اغلاط مشهور دیگر ماست. در عوضش باید کلمات "حامله"، "حمل دار"، "بار دار" را بکار برد.

– "شراب انظهور" از اغلاط مشهور دیگر ماست. در قرآن کریم "... شراباً طهوراً" آمده است، که باعث این مغالطه گردیده. یعنی که تنوین بالای "شراب" را "نون" فرض کرده اند و این ترکیب غلط را ساخته اند. "طهور" بر وزن "صبور" یعنی "پاک کننده و بسیار پاک" است و گویند در بهشت "شراب طهور" وجود دارد، چون شراب است اما پاک و بدون اینکه نشئه و سُکری بیاورد. در عوض "شراب انظهور" باید "شراب طهور" گفته شود.

– بعض کسان ترکیب "عینک چشم" را استعمال میکنند، که خیلی قبیح است، چون "عینک" خود برای چشم است و افزودن "چشم" اضافی بر آن کاملاً لغو. استعمال ترکیب "عینک چشم" مانده آنست، که کسی "جراب پای" بگوید یا "آب تر" یا "نمک شور" و یا "شیر سفید" و غیره. چون "جراب" محض برای "پای" است و آب خود "تر" است و نمک "شور" و شیر "سفید".

کلمات متباقی و مثالهای بیشتر را در زمینه ضمن ستون "مشکلات املائی در زبان دری" به تفصیل به بررسی خواهیم گرفت.

۲ – اغلاط مشهور فارسی ایران که به دری ما نیز سرایت کرده است :

درینجا در ذیل چند ماده، به گونه نمونه به ذکر مثالی چند اکتفاء میکنم و گویا از خروار مشتی را برمیدارم :

a – از نگاه ساخت دستوری و منطقی :

راستا(در معنای متداول ایران)، موشک، تحریمات (در عوض تعزیرات)، رویکرد، راهبرد(در معنای ستراتیژی)، زبانزد(در معنای اصطلاح)، "مقام" (در معنای "مامور" یا "ارگان")، فرآیند، همیاری، "رزمایش" (رزم + آیش) ، همایش ، خوانش ، واکنش ،....

شرح تعدادی از این اغلاط را میتوان از آثار معروف داکتر خسرو فرشید ورد – استاد پوهنتون تهران – و فرهنگ "غلط ننویسیم" – اثر ابوالحسن نجفی – مطالعه کرد و اشتباهات هر یک را دریافت. اما شرح مفصل همه را ضمن ستون "مشکلات املائی در زبان دری" ، روی دست گرفته ام و یا خواهیم گرفت.

b - از نگاه شیوه املاء و نگارش :

جستجو ، گفتگو ، شستشو ، علاقمند ، دستجمعی ، سرمایدار ، بهر مند ، اندیشمند ، سایبان ، پلیس ، هتل ، بله (بجای "بلی" که کلمه عربیست و اعراب آنرا با الف مقصوره تلفظ میکنند)
تشریحات مفصل دستوری این طیف را از ستون "مشکلات املائی در زبان دری" (مشکلات املائی دری زبانان) و سلسله های مختلفی که در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" تقدیم گردیده و یا میگردد، میتوان گرفت.

c - از نگاه تلفظ :

ایرانیان خوش دارند که کلمات عربی نظیر "شمال ، تولید ، دولت ، موقع ، مولد (زادگاه) ، مولانا ، مولا ، موضع ، موکب ، توحید ، توییح ، توزیع ، توضیح ، اولویت ، اولی (اولی و آلی دو لغت متفاوت است) ، ... " را به ضم حرف اول تلفظ نمایند. این تلفظ که در فارسی ایران کاملاً رایج گردیده و به اصطلاح خودشان "جا افتاده" است، به ایرانیان مبارک باد. ما اما چه مجبوریت داریم، که لغات بالا و امثال بی شمار آنها را به تقلید از ایرانیان، غلط تلفظ نمائیم - چنان که در رادیوی بی بی سی و صدای المان و صدای امریکا و غیره هر روز از زبان نطقان هموطن خود میشنویم؟؟؟

d - تعویض کلمات رایج و کاملاً معمول و مانوس خارجی :

ایرانیان میکوشند به جای اصطلاحات علمی ، تخنیکی ، اداری ، دیوانی ، هنری و ... خارجی که در زبان خاص و عام افتاده و در واقع همه "فارسی" شده اند، کلمات جدید و گویا "خالص" و "سره" فارسی وضع نمایند. از بهر مثال کلمات "رایانه ، خود رو ، دهشت افکن ، راهبردی ، فرایند ، جشنواره ، فناوری ، کارگردان ، دوربین ، موشک ، رزمایش ، گیتاشناسی ، ... " در عوض کلمات فرنگی و جهانی شده "کمپیوتر ، اتوموبیل ، تروریست ، ستراتیژیک ، پروسه ، فستیوال ، تکناکوجی ، رژیسور ، کامره ، راکت ، مانور ، جغرافیا ، ... " و کلمات "بلند پایه ، بخشنامه ، نام واژه ، کارواژه ، سه بر (سه کنج) ، بدخیم ، پدافند ، نشست ، پژوهانه ، تک ، فروزه ، فراگشت ، فرنشین ، درآشامی ، برخه ، استاندار ، استان ، آسه ، گشتار ، یگان ، باهماد ، افزاینده ، ... " در عوض کلمات عربی و فارسی شده "عالیرتبه ، متحدالمال ، اسم ، فعل ، مثلث ، خبیث ، دفاع ، جلسه ، حق تحقیق ، حمله ، صفت ، تحول ، رئیس ، جذب ، کسر ، والی ، ولایت ، محور ، تبدیل ، واحد ، جمعیت ، نامی (نموکننده) ، " (تعدادی ازین مثالها از صفحات ۶۳۹ تا ۶۴۳ "دستور مفصل امروز" اثر داکتر خسرو فرشید ورد، گرفته شده).

ما چه مجبوریت داریم که برای کلمات معمول و به اصطلاح ایرانی "جا افتاده" خارجی، معادل های جدید دری و فارسی بسازیم؟؟؟ چرا این زحمت بی مورد را اصلاً متقبل گردیم؟؟؟ چرا انرژی و توان خود را در راههای خلاق و مفید ، مصرف نکنیم؟؟؟ اگر ایرانیان این کار را میکنند، بکنند - گرچه بسا ایرانیان دانشور و دلسوز، مخالف جدی این کارند - ، چنانکه میکنند. ما افغانها اما هیچ ضرورتی نداریم، از فارسی ایران - که زیر چتر "سره سازی" ، "سیاست" را بر شانه های "زبان" سوار کرده است و کرده راهیست - پیروی نمائیم. زبان دری افغانستان با وجودی که در اصل با "فارسی ایران" و "تاجیکی" یکیست، در فروع اما مشخصات خود را دارد. (ضمن سلسله "به کهنه خود بساز که نو دیگران گران است" فرقهها و وجوه تمایز دری فغانستان و فارسی ایران با اصول تحلیلی و تشریحی، بیان گردیده است). همان گونه که ایرانیان مایل و حاضر نیستند، که "خجسته های دری افغانستان" و

"کلمات زیبای دری تاجیکستان" را در فارسی خود بکار برند، و میخواهند دیگران فقط و فقط "تقاله خور" و "دنباله رو" ایشان گردند و باشند و بمانند، ما هم هرگز مجبوریتی نداریم، که بعوض اصطلاحات زیبا و خجسته خود، "گجسته های فارسی ایران" را بکار بندیم. با تأسف که رابطه فارسی ایران با دری افغانستان به گفته آقای فاروق فارانی، به "جاده یکطرفه" شباهت پیدا کرده است. یقین کامل دارم، که بزودی زود طلسم این "جاده یکطرفه" خواهد شکست، چه "ایران پرستان" و "ایادی رژیم آخوندی - کربلائی ایران" بخواهند و چه نخواهند!!! ایرانیان از طریق تزریق اصطلاحات و نحوه خاص فارسی خود در "دری افغانستان و دری تاجیکستان"، در واقع "دکتاتوری فرهنگی خود را بر قلمرو زبان دری و فارسی" تحمیل میکنند؛ و از طریق فرهنگ سیاست خود را.

البته برای بررسی بهتر و کامل تر موضوع، باید زبان دری در افغانستان و ایران بصورت همه جانبه، مقایسه گردد. چنین مقایسه ای حوصله بسیار و اوراق بی شمار می طلبد، که با وجود بضاعت مُرجات بنده در زمینه، چیزهائی در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" عرضه کرده ام!!!!!!!

جداً میدانم که این نوع نوشته هایم به دماغ بعض کسان و بالخاصه آن اقلیت "جیره خور" آخواندهای ایران، خوش نمیخورد - و این امریست کاملاً طبیعی. برای من رأی و نظر اکثریت افغانان "گپ شنو"، "پند پذیر" و "دلسوز به داشته های خود ما"، اهمیت و اعتبار دارد. قاطعانه میگویم:

اگر کسانی با این گفتار موافق نباشند، خوش می‌شوم و خواهش میکنم به تردید عالمانه آن پرداخته و مقالات خود را جهت نشر به پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" ارسال فرمایند!!!!!!!

توضیح :

* - "نی و نو کردن" یعنی "انکار کردن" و "ترازو به زمین زدن" یعنی "بهانه جوئی کردن و از پذیرفتن کاری سرباز زدن"، اصطلاحات زیبای عامیانه کابلی اند.